

بررسی ابعاد خطمشی گذاری عمومی از دیدگاه اسلام با تأکید بر عدالت و مشارکت مطالعه موردی در آموزش و پرورش شهرستان بجنورد

رویا افراسیابی^۱

اعظم ملکی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۵ تاریخ چاپ: ۱۳۹۹/۰۱/۲۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ابعاد خطمشی گذاری عمومی از دیدگاه اسلام با تأکید بر عدالت و مشارکت مطالعه موردی در آموزش و پرورش خراسان شمالی می باشد. روش تحقیق حاضر توصیفی- پیمایشی است و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری کارکنان اداری آموزش و پرورش شهرستان بجنورد می باشد که تعداد ۱۲۰ می باشد که با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه گیری تصادفی ساده تعداد ۹۲ پرسشنامه توزیع شد. ابزار گردآوری اطلاعات مطالعات کتابخانه ای و پرسشنامه محقق ساخته می باشد و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار spss22 استفاده شد که طبق نتایج حاصل از پژوهش کشف و شناسایی قابلیت های افراد با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خطمشی گذاری عمومی محسوب می شود. قطعیت یافتن قابلیت ها با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خطمشی گذاری عمومی محسوب می شود. کسب توانمندی ها تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خطمشی گذاری عمومی محسوب می شود. توسعه منابع انسانی با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خطمشی گذاری عمومی محسوب می شود. شفافیت و پاسخگویی با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خطمشی گذاری عمومی محسوب می شود. فرصت های برابر با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خطمشی گذاری عمومی محسوب می شود.

واژگان کلیدی

خطمشی گذاری عمومی، دیدگاه اسلام، عدالت، مشارکت، آموزش و پرورش خراسان شمالی

^۱ استادیار مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران (royae1352_dr@yahoo.com)

^۲ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران (* نویسنده مسئول: azam.maleki.1394@gmail.com)

۱. مقدمه

خط‌مشی‌های عمومی به علت وجود مسائل عمومی شکل می‌گیرند و پاسخی برای رفع این مشکلات هستند. برای آنکه خط‌مشی‌های عمومی به اهداف موردنظر خود دست پیدا کنند وجود یک نظام ارزیابی مناسب ضروری است (دانش فرد، ۱۳۹۵). با انجام ارزیابی می‌توان به صحت اعتبار روش‌ها، فرایندها، سامانه‌ها، سازمان‌ها و الگوهای رایج در این خصوص پی برد (پور عزت و سید رضایی، ۱۳۹۷). بدون تردید امروزه کارکنان به‌عنوان مهم‌ترین ثروت و دارایی سازمان‌ها به شمار می‌آیند و هرگونه تلاش جهت ارتقاء کارایی و بهره‌وری در سازمان بدون ارتقاء و توسعه‌یافتگی کارکنان سازمان امکان‌پذیر نیست. بسیاری از فعالیت‌های بخش عمومی در چهارچوب اجرای خط‌مشی‌های عمومی انجام می‌گیرد. کارکنان به‌عنوان منابع انسانی در بخش دولتی مجریان اصلی مرتبط با انجام خط‌مشی‌های دولت هستند. لذا ارتقاء کیفی و توسعه‌یافتگی این منابع به‌عنوان یک خط‌مشی بسیار مهم قابل‌مطالعه است. ارزیابی خط‌مشی‌های توسعه منابع انسانی این فرصت را فراهم می‌کند که بتوان تحلیل مناسبی از وضعیت توسعه‌یافتگی کارکنان بخش دولتی از یکسو و کارآمدی خط‌مشی‌های در سازمان‌های دولتی از سوی دیگر، ارائه نمود (دانش فرد، ۱۳۹۵). سنجش و ارزیابی عملکرد دولت می‌تواند در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انجام گیرد (پور عزت و سید رضایی، ۱۳۹۷). در قانون خدمات کشوری در بخش‌های مختلف به موضوع ارتقاء منابع انسانی پرداخته شده است. به‌جز آن با ابلاغ سیاست‌های کلی نظام اداری کشور در سال ۱۳۸۹ توسط مقام معظم رهبری، مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها، راهبردها و اهداف در حوزه منابع انسانی کارکنان دولت برای اجرا ابلاغ گردید. ارتقاء کیفیت خدمات عامل مهمی از پیشرفت و توسعه سازمان‌های امروزی است (میر سپاسی و همکاران، ۱۳۹۲). دین اسلام دین جامعه است و حتی از این مسئله نیز فروگذار نکرده، اما خط‌مشی گذاری را با واژه تصمیم‌گیری مترادف می‌داند. با توجه به اینکه خط‌مشی گذاری امری دولتی است و حاکمان و دولت‌مردان با نیت‌های گوناگون از جمله به کرسی نشاندن عقاید خود، تحقق بخشیدن به اولویت‌ها رفع مسائل و مشکلات عمومی و تقویت و توسعه رفاه مردم به خط‌مشی گذاری در کشوری اسلامی و توجه به اسلام به این موضوع ضرورت و اهمیت آن را دوچندان می‌کند. یکی از حوزه‌های اجتماعی عمل عدالت، حوزه تعلیم و تربیت و به‌صورت خاص، نحوه اداره مدارس است که به نحوه مستقیم در وضعیت نهایی توزیع بهره‌مندی‌ها، فرصت‌ها و قدرت در جامعه تأثیر می‌گذارد و از سویی رشد فردی انسان‌ها را نیز متأثر از خود می‌سازد. تحقق عدالت اجتماعی در این عرصه، برنامه‌ریزی‌های کوتاه و بلندمدت دقیقی را می‌طلبد که بر یک خط سیر واحد حرکت کرده و جهتی یکسان را دنبال کند؛ چراکه مجموعه اقدامات سالیان متمادی در صورتی که مکمل یکدیگر نبوده یا حتی معارض هم باشند (درهم‌ریختگی)، هرگز هدف و آرمان نظام تعلیم و تربیت را محقق نخواهند ساخت. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز ملم از نگاه اسلامی خود، تحقق عدالت اجتماعی را لازمه حرکت به سوی توحید دانسته و چنان‌که از کلام رهبران آن برمی‌آید، عدالت اصلی جدایی‌ناپذیر در حرکت انقلاب اسلامی است. حال که دهه کنونی با عدالت و پیشرفت نام گذاری شده است، نیل به این ارزش، بیش‌ازپیش اهمیت یافته است؛ بنابراین با توجه به مطالب فوق‌الذکر این پژوهش در پی بررسی ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی از دیدگاه اسلام با تأکید بر عدالت و مشارکت مطالعه موردی در آموزش و پرورش خراسان شمالی است.

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۲-۱. خط‌مشی‌گذاری

خط‌مشی مجموعه تصمیمات متعامل بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی در خصوصی انتخاب اهداف و ابزار دستیابی به آن‌ها در شرایط مشخص است، به شرط آنکه این تصمیمات قانوناً در چارچوب اختیارات بازیگران اتخاذ شده باشد (دانش فرد، ۱۳۸۸). جیمز اندرسون^۱، ۱۹۸۴ بیان می‌کند خط‌مشی مجموعه اقدامات هدف‌دار است که به وسیله یک یا مجموعه‌ای از بازیگران برای برخورد با مشکل یا مسئله موضوع بحث در نظر گرفته شده است (ابراهیمی قرتکان و همکاران، ۱۳۹۶).

همچنین خط‌مشی‌گذاری فرایندی را شامل می‌شود که از تشخیص مسئله یا موضوع شروع شده، با طی مراحل تدوین، تصویب، اجرا و درنهایت، ارزیابی خط‌مشی به پایان می‌رسد؛ بنابراین خط‌مشی‌گذاری عمومی به نوعی، همان فرایند تصمیم‌گیری را طی می‌کند. تصمیم‌گیری مستلزم انتخاب گزینه‌ای از میان گزینه‌هاست و در صورتی که به جز یک‌راه گزینه دیگری وجود نداشته باشد تصمیم‌گیری وجود نخواهد داشت. همچنین در تصمیم‌گیری قصد و عمل وجود دارد و تصمیم‌گیری با اتخاذ تصمیم خاص در تلاش برای دستیابی به هدفی است که این هدف خود عامل شکل‌دهنده فرایند و فعالیت تصمیم‌گیری بوده است (قلی‌پور، ۱۳۹۲).

۲-۲. خط‌مشی‌گذاری عمومی

خط‌مشی آن چیزی است که دولت‌ها تصمیم دارند انجام دهند یا انجام ندهند (دای^۲، ۲۰۱۳)؛ به تعریفی دیگر: خط‌مشی تصمیم است که در برابر یک مشکل عمومی گرفته می‌شود؛ اما خط‌مشی صرفاً تصمیم نیست، بلکه فرایندی است شامل تمام اقدامات که از رمان احساس مشکل شروع و به ارزیابی نتایج اجرای خط‌مشی الگوی عملی است و نه رویداد مجرد و انتزاعی؛ خط‌مشی عمومی را به شکل‌های گوناگون و در قالب الفاظ متفاوت تعاریف کرده‌اند. به طور ساده می‌توان گفت: خط‌مشی عمومی تصمیمی است که در قبال یک مشکل عمومی اتخاذ می‌شوند (الوانی، ۱۳۸۸). شاید در ابتدا این گونه فرض شود که خط‌مشی‌گذاری عبارتی صرفاً علمی است و اصولاً در اسلام فاقد جایگاه است، در حالی که این گونه نیست.

۲-۳. الگوهای خط‌مشی‌گذاری عمومی

تصمیم‌گیرندگان در فرایند خط‌مشی‌گذاری، کوشش می‌کنند با استفاده از الگوهای مختلف به راه حل مطلوب دست یابند و آن را به سادگی مورد آزمون قرار دهند. الگوهای خط‌مشی‌گذاری تقریباً در تمامی منابع (داخلی و خارجی) به چند صورت مشابه ذکر شده است؛ مثلاً هاوالت و همکارانش^۳ (۲۰۰۹) به طور کلی الگوها را به چند دسته شامل الگوهای عقلایی، تدریجی، سطل زباله و غیره تقسیم‌بندی می‌کنند (هاوالت، رامش و پرل، ۲۰۰۹). الوانی و شریف‌زاده (۱۳۹۳) الگوها را در قالب استعاره خط‌مشی بیان می‌کنند: خط‌مشی‌گذاری به مثابه بازده نهادی (الگوی نهادی)، خط‌مشی‌گذاری به مثابه فعالیت سیاسی (الگوی فرایندی)، خط‌مشی‌گذاری به مثابه کسب حداکثر منافع اجتماعی (الگوی عقلایی)، خط‌مشی‌گذاری به عنوان انتخابی عقلایی در وضعیت رقابتی (الگوی نظریه بازی‌ها) (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۳؛ الوانی، ۱۳۸۷). توماس دای (۲۰۱۳) در کتاب درک سیاست‌گذاری عمومی الگوهای خط‌مشی‌گذاری عمومی را از دید الگوهایی

¹ Anderson

² Dye

³ Howlett et all

همچون نهادگرایی، فرایندی، تغییرات تدریجی، گروهی، نخبگان و نظریه بازی‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است (دای، ۲۰۱۳).

۴-۲. فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی چیست

۱. شناسایی مسئله و محیطی که موضوع مورد بررسی در آن واقع شده است.
۲. تبیین. این مرحله شامل ایجاد، شناسایی یا اقتباس شیوه‌های عملکرد پیشنهادی که اغلب به گزینه یا انتخاب موسومند، برای حل یا اصلاح معضلات اجتماعی است. چه کسی در تبیین سیاست‌گذاری مشارکت می‌جوید؟
۳. گزینش. این مرحله شامل تصمیم‌گیری پیرامون گزینه‌های پیشنهادی، از جمله عدم انجام هیچ‌گونه اقدامی، برای رسیدگی به یک مسئله است. قانون‌گذاران آمریکایی درباره‌ی این مرحله با اکثریت آرا به نتیجه می‌رسند.
۴. به‌کارگیری. (یک واژه‌ی معادل برای این مرحله، مدیریت است) در اینجا بر روی اقدامات لازم برای اثربخشی یا اجرایی شدن سیاست‌گذاری‌های برگزیده شده متمرکز می‌شویم. اغلب در جریان مدیریت سیاست‌گذاری‌ها، آن‌ها را توسعه می‌بخشند یا بر جزئیاتشان می‌افزایند.
۵. ارزیابی. این بخش به اقداماتی منجر می‌شود که هدف از آن‌ها، تعیین دستاوردهای یک سیاست‌گذاری است و این که آیا به اهداف خویش دست یافته و آیا پیامدهای دیگری داشته است.

۲-۵. اجرا و ارزیابی خط‌مشی عمومی

منظور از اجرای خط‌مشی، مرحله‌ای از فرایند خط‌مشی است که بلافاصله بعد از به تصویب رسیدن خط‌مشی و جنبه قانونی پیدا کردن آن اتفاق می‌افتد. اجرای خط‌مشی در مفهوم کلی به معنای اجرای قانون است که در آن کارکنان، سازمان‌ها، رویه‌ها و تکنیک‌های متفاوت در هم می‌آمیزند تا با تلاش، اهداف یک برنامه یا خط‌مشی پیشنهادی را به نتیجه مطلوب و مثبت برسانند. اجرای خط‌مشی را می‌توان به مفهوم برون‌دادها یا قلمروی از اهداف برنامه‌ریزی شده که مورد حمایت قرار می‌گیرند تعریف کرد. خط‌مشی از طریق جهت دادن و ایجاد چارچوب برای عملیات مختلف سازمان عملکرد سازمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌طور خلاصه، اجرای خط‌مشی به‌عنوان یک مفهوم تمام فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد. اگرچه اجرای خط‌مشی یک پدیده پیچیده است اما ممکن است به‌عنوان یک فرآیند، یک برون‌داد و یا یک پیامد در نظر گرفته شود. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت رابطه درهم‌تنیده اجرای خط‌مشی و ارزیابی خط‌مشی هست. در ساده‌ترین شکل ممکن ارزیابی خط‌مشی با آگاهی از پیامدهای خط‌مشی عمومی ارتباط مستقیم دارد. این امر به معنی ارزیابی خط‌مشی‌های جایگزین جهت جبران کاستی‌های خط‌مشی موجود هست. دو وظیفه مشخص در ارزیابی خط‌مشی وجود دارد؛ نخست تعیین چگونگی پیامدهای یک خط‌مشی همراه با توصیف اثرات آن است و دوم قضاوت در مورد موفقیت یا شکست یک خط‌مشی بر اساس مجموعه‌ای از استانداردها یا معیارهای ارزشی است. درمجموع آنچه سبب تمایز میان ارزیابی خط‌مشی از دیگر مراحل تجزیه و تحلیل خط‌مشی می‌شود، تأکید بر نتایج یا پیامدها در مقابل علت‌ها یا ویژگی‌های خط‌مشی می‌باشد.

۲-۶. مسائل و مشکلات

اهداف نهایی خط‌مشی‌های عمومی ارتقای کیفیت تصمیمات و برنامه‌های آینده سازمان جهت بهبود کیفیت جنبه‌های زندگی بشری است. با توجه به این مسئله به‌کارگیری نیروهای کارآمد و ساختارهای سازمانی مؤثر، عنصر مهمی در کوشش‌های سازمان جهت اجرای موفقیت‌آمیز خط‌مشی‌های عمومی بوده و عدم وجود چنین وضعیتی عامل بازدارنده

محسوب می‌شود. در کشورهای جهان سوم غالباً این مشکل وجود دارد. چون هدف‌گذاری سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها معمولاً متعدد، متضاد و مبهم بوده و به دلیل محدودیت‌های شناختی خط‌مشی‌گذاران و محرک‌های متعدد محیط بیرونی، پیش‌بینی تمامی محدودیت‌ها و فشارهای مربوط در سیاست‌گذاری غیرممکن به نظر می‌رسد. اجرای خط‌مشی‌ها در عمل با مشکلاتی مواجه است (اندرس، ۱۹۸۴). عدم صلاحیت و شایستگی اداری معمولاً در شکل بوروکراسی‌های بسیار دست و پاگیر موجب به تأخیر افتادن اجرای برنامه‌ها می‌گردد. در حالی که در جوامع صنعتی اجرای خط‌مشی‌های عمومی توسط کارکنان سازمان جهت اهداف و روش‌های بی‌شماری صورت می‌گیرد. هدف نهایی در کشورهای در حال توسعه از اجرای سیاست‌های عمومی دستیابی به اهداف دولتی مشخص شده در طرح‌های توسعه ملی است (دای، ۲۰۱۳).

۲-۷. عدالت

وام‌گیری اصول، اهداف و مبانی آموزش و پرورش از کشورهای پیشرفته در گذشته، آموزش و پرورش ایران را از بنیادهای نظری مؤثر بی‌بهره ساخته است. تغییرات پی‌درپی نظام آموزشی در هشتاد سال گذشته (تقریباً هر ۱۵ سال یک‌بار) حکایت از ناتوانی مدیریت نوسازی آموزش و پرورش و فقدان روش‌شناسی اصلاحات آموزشی دارد. فرایند تصمیم‌سازی در مدیریت آموزشی معمولاً از بالا به پایین شکل گرفته است. زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و تمهیدات جامعه‌شناختی اجرای آن کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و اغلب تحت تأثیر تحولات سیاسی ایران بوده است (سرکارآرانی، ۱۳۸۲) از سوی دیگر عدم حاکمیت یک نظریه واحد در برنامه‌ریزی موجب شده است تا خط‌مشی‌گذاران این حوزه، مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها را ابلاغ کنند که در عمل ناهماهنگی اعمال خط‌مشی را به دنبال دارد (الوانی و شریف زاده، ۱۳۹۳). در مجموع باید توجه داشت که نبود مبنای نظری یکی از موانع اجرای خط‌مشی‌های دولتی و عدم تحقق اهداف خط‌مشی است (گیوریان، ۱۳۸۴). یکی از مهم‌ترین مبانی نظری که باید در خط‌مشی‌گذاری مدنظر قرار گیرد، نظریه عدالت خط‌مشی-هاست که از درهم‌ریختگی اعمال خط‌مشی عدالت در آن حوزه ممانعت می‌کند.

۲-۸. تأملی بر عدالت، اداره مدارس و انسجام خط‌مشی‌های آموزشی

بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۵۸/۱۲/۲ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۸ مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش منتفی شد. متن این مصوبه بدین شرح است: «به‌منظور توزیع عادلانه امکانات آموزشی و بهره‌گیری صحیح از تحصیل رایگان طبق اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود کلیه واحدهای آموزشی غیردولتی را که در تاریخ تصویب این قانون دایر بوده و با کسب اجازه تأسیس از وزارت آموزش و پرورش اداره می‌شوند بر اساس آیین‌نامه خاصش از اول تیرماه ۱۳۵۹ به‌صورت دولتی اداره نماید»؛ بنابراین در مدت مذکور بخش غیردولتی در آموزش و پرورش غیرفعال بوده است. دهه هفتاد آغاز فعالیت مجدد بخش غیردولتی در آموزش و پرورش با تصویب قانون‌مدار غیرانتفاعی و مدار نمونه دولتی و نمونه مردمی بوده است.

۲-۹. نظریه‌های عدالت

مفهوم عدالت، یکی از اساسی‌ترین مفاهیمی است که در مورد چستی آن بسیار بحث شده است، ولی اجماعی بر مباحث طرح‌شده وجود ندارد. عدالت را به‌انحاء مختلف تعریف کرده و شاخص‌ها و معیارهای مختلفی برای طراحی و سنجش آن در مقام نظر و عمل بیان کرده‌اند. بررسی مفهوم عدالت و تعریف آن مقدمه ورود به بحث شاخص‌ها و معیارهای عدالت است تا بر اساس آن در گام عملیاتی و در پژوهش‌های کاربردی، به برنامه‌ریزی و اجرای عدالت پردازیم. عدم شناخت مفهوم، امکان رشد پژوهش‌های کاربردی و خصوصاً ارزیابی عادلانه بودن امور را سلب می‌کند و درواقع می‌توان کلیه

پژوهش‌هایی را که در حوزه کاربرد و ارزیابی عدالت بدون اتخاذ یک تعریف از عدالت صورت پذیرفته‌اند، مردود دانست. هر تعریف علی‌رغم تفاوت با سایرین همانند یک نظریه به بعدی از حقیقت اشاره دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. هر نظریه در شرایطی به عنوان معیار عدالت به شمار می‌رود و در شرایطی دیگر معیار بی‌عدالتی. به همین جهت به نظر می‌رسد که اقتضائات اجرا، بهترین راه جمع میان تعاریف است تا هم از مزایای یک نظریه و تعریف برخوردار شویم و هم از اختلاف در مبانی نظری و اصول آن‌ها غفلت نورزیم. گونه‌های مختلفی از نظریه‌های عدالت مطرح شده است. از میان گونه‌شناسی‌های موجود نظریه‌های عدالت به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. مشارکت عمومی در خط‌مشی‌گذاری

یکی از موضوعات مهمی که در سال‌های اخیر در بین کشورهای آزاد و دموکراتیک اهمیت زیادی یافته است، بحث مشارکت عمومی مردم در فرایند سیاست‌گذاری می‌باشد. دولت در این کشورها سعی کرده است به مفهوم مشاوره و نظرخواهی از مردم اهمیت بیشتری بدهد و در واقع راه‌های استفاده از آن را گسترش دهد. برای مثال مشاوره مکتوب مردم با دولت در نوامبر ۲۰۰۰ در انگلستان به‌طور قانونی تصویب شد. در آن زمان، نخست‌وزیر انگلستان، تونی بلر در این باره گفت که مشاوره بهتر با مردم و نظرخواهی از آن‌ها به معنای دستیابی به نتایج بهتر است. منظور از مشارکت عمومی در واقع مشاوره و گفت‌وگو بین بخش‌های مختلف جامعه برای اثرگذاری روی سیاست‌ها می‌باشد؛ برای مثال کسانی که از خط‌مشی خاصی سود می‌برند و یا آن‌هایی که به‌طور غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌گیرند و حتی آن‌هایی که ممکن است مجری آن خط‌مشی باشند. مشارکت عمومی نوعی از رابطه متقابل بین دولت و شهروندان است. روابط دولت شهروند به اشکال مختلف وجود دارد؛ ولی همه این روابط در حوزه مشارکت عمومی نیستند. اغلب این روابط را به ۴ دسته تقسیم می‌کنند: اطلاع‌رسانی، تحقیقات، مشاوره و نظرخواهی و مداخله؛ که در این بین تنها مشاوره و نظرخواهی و مداخله اشکالی از مشارکت عمومی می‌باشند (گلن و گروتز^۴، ۲۰۰۱). همچنین در جهت افزایش مشارکت عمومی در اداره مدار و نیز مشارکت اقتصادی مردم در تأمین مالی مدار، وزارت آموزش و پرورش مدار هیئت‌امنایی را تأسیس کرد. مخالفان خصوصی‌سازی آموزش و پرورش، عدم شمولت خصوصی‌سازی این نهاد ذیل اصل ۴۴، دامن زدن به شکاف طبقاتی و مغایرت با عدالت اجتماعی (اعظم بیگی، ۱۳۹۳). تغایر با اصل ۳۰ قانون اساسی و آموزش رایگان را از دلایل مخالفت خود می‌دانند؛ در حالی که موافقان، حرکت بر اساس ماده ۸۸ قانون بخشی از مقررات دولت مصوب دی‌ماه ۱۳۸۰، کاهش بار اجرایی دولت، مشارکت و تمرکززدایی (برنجی، ۱۳۶۷)، رقابت در خدمات و قوت عملکرد را به عنوان دلیل حمایت از کاهش مدار دولتی ذکر می‌کنند (رستمی نسب، ۱۳۸۴؛ تسلیمی و سجادی، ۱۳۸۰).

۲-۱۰. پیشینه پژوهش

واعظی و محمدی (۱۳۹۶) به بررسی الگویی برای ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی در ایران پرداختند. در پژوهش حاضر، به منظور پوشش نسبی خلأ دانشی مزبور، خط‌مشی مالیات بر ارزش افزوده که از جمله خط-مشی‌های عمومی اقتصادی زیربنایی و تحول‌آفرین محسوب می‌شود، مبنای پژوهش قرار گرفته است. این پژوهش با رویکردی اکتشافی در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که ابعاد و مؤلفه‌های الگوی ارزیابی خط‌مشی مالیات بر ارزش افزوده چیست؛ بنابراین پس از تبیین مفاهیم پایه و مرور مبانی نظری، گزارش‌ها و اسناد مرتبط بررسی و راهنمای مصاحبه تهیه شد؛ سپس ضمن شناسایی هدفمند سیزده نفر از خبرگان دانشگاهی و اجرایی متخصص و مرتبط، مصاحبه عمیق انجام پذیرفت و در پی آن مفاهیم،

^۴ Coleman, S. and Grotze

ابعاد و مؤلفه‌های الگوی ارزیابی از دیدگاه خبرگان حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی ایران با بهره‌گیری از استراتژی تحلیل مضمون، استخراج شد؛ در نهایت الگوی ترکیبی مناسب ارزیابی با توجه به سطوح محیطی، نهادی و سازمانی، پیشنهاد شد. واعظی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی و شناسایی و اولویت‌بندی الگوهای ارزیابی خط‌مشی عمومی پرداختند. لذا با الگوهای ارزیابی خط‌مشی آشنایی کمتری وجود دارد. پژوهش حاضر با توجه به شکاف دانشی موجود و اهمیت کاربردی آن در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که معیار مطلوبیت یک الگوی ارزیابی چیست و از میان الگوهای رایج کدام یک مطلوب‌ترند؟ بر این اساس، محققین به منظور احصاء معیارهای مطلوبیت و بهینگی الگوها، هجده الگوی رایج ارزیابی خط‌مشی را در معرض دید خبرگان نمونه پژوهش قرار دادند تا معرفتی نو و نسبتاً جامع از الگوهای یادشده ایجاد کنند. در نهایت با توجه به زیست بوم خط‌مشی‌گذاری در ایران و فارغ از شرایط و اقتضائات موضوعی، مشخص گردید که الگوی ترکیبی ارزیابی مطلوبیت گرا بیشترین امتیاز و الگوی روش محور ارزیابی حسابرسی نتایج کمترین امتیاز را برای ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی از دید خبرگان نمونه پژوهش دارا هستند.

عبدالحسین زاده و ثنائی (۱۳۹۴) به بررسی توانمندسازی خط‌مشی‌های عمومی، با رویکرد شفافیت و مشارکت پرداختند. در این پژوهش با روش تحلیل متن و تحلیل اسنادی به مطالعه مبانی نظری و کارهای پژوهشی و همچنین مصادیق و کاربردهای شفافیت و خط‌مشی‌های اجراشده سایر کشورها در حوزه شفافیت پرداخته می‌شود و مزایا، کارکردها و فواید شفافیت برای توانمندسازی خط‌مشی‌های عمومی بیان می‌شود. نتیجه‌گیری و یافته‌ها: در این پژوهش با تبیین مصادیق شفافیت در عرصه خط‌مشی‌گذاری عمومی و همچنین بررسی اسناد نهادهای بین‌المللی فعال در حوزه شفافیت، نقش شفافیت از ابعاد مختلف آن اعم از اهمیت، مفاهیم، لوازم، سازوکارها و ارتباط آن با امور دیگر به عنوان یکی از ابزارهای نیل به توانمندسازی و بهبود خط‌مشی‌های عمومی، آشکار شود. در مسیرهای مورد مطالعه در این پژوهش به ارتباط بین شفافیت و مواردی نظیر تصمیم‌گیری، دموکراسی، پاسخگویی، توسعه پایدار و حاکمیت قانون پرداخته می‌شود. در پایان نیز مشخص می‌شود که ابزار شفافیت می‌تواند در همه مراحل خط‌مشی از مرحله شناخت مسئله، تدوین خط‌مشی، اجرای خط‌مشی و ارزیابی خط‌مشی مورد استفاده قرار بگیرد.

نسلیهان (۲۰۱۷) تحقیقی تحت عنوان چالش‌ها و موانع فراروی خط‌مشی‌گذاران در فرایند خط‌مشی‌گذاری و انتقال خط‌مشی انجام داد. در مسیر اجرای کامل خط‌مشی، عوامل بازدارنده و تنگناهای زیادی وجود دارند که شناسایی عمده‌ترین آن‌ها به منظور کارآمد کردن اجرای خط‌مشی از اهداف اصلی این تحقیق می‌باشد. در این متن تکنیک‌های مبتنی بر شواهد خط‌مشی‌گذاری نقش باارزشی را در بهبود فرایند خط‌مشی ایفا می‌کند. همچنین به ماهیت ویژه‌ی فرایند خط‌مشی در کشورهایی که در مرحله گذار می‌باشند پرداخته و سپس به بررسی شرایط حاصل از خط‌مشی‌گذاری عمومی که متغیرهای متعددی مانند تغییر نقش دولت‌ها، تعریف مسئولیت‌های جدید حاکمان، رویکردهای جدید اداره امور عمومی، انتظارات جدید شهروندان، مسائل و موضوعات پیش‌آمده در عرصه ملی و جهانی در آن نقش دارند پرداخته است. این پژوهش با رویکردی کیفی- مروری و با الهام از اصول تئوریک تلاش می‌کند تا چالش‌های موجود در خط‌مشی‌گذاری ناشناسایی کرده و توصیه‌هایی برای خط‌مشی‌گذاران جهت کارآمد بودن خط‌مشی‌گذاری ارائه دهد.

عبدالقادر (۲۰۱۶) تحقیقی تحت عنوان مصادیقی از مراحل خط‌مشی‌گذاری عقلایی از دیدگاه اسلام انجام داد. این مقاله به جایگاه خط‌مشی‌گذاری عقلایی از نگاه آیات قرآن و نهج‌البلاغه پرداخته شده که خود، گویای دیدگاه مدیریت مطلوب اسلامی نسبت به خط‌مشی‌گذاری است. تصمیم‌گیری در سطح کلان برای حل مسائل و مشکلات کلان توسط

دولت‌ها برای رسیدن به مصالح و منافع عامه مردم را خط‌مشی گذاری می‌گویند؛ که در این مقاله ما به دنبال مصادیقی در دین اسلام برای هر کدام از مراحل فرآیند خط‌مشی گذاری عقلایی هستیم؛ و مدل عقلایی خط‌مشی گذاری را به‌طور کلی بر اساس آنچه دین مبین اسلام می‌گوید و از آموزه‌های آن استخراج می‌شود مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تیوری (۲۰۱۶) تحقیقی تحت عنوان بررسی جایگاه عدالت اجتماعی در خط‌مشی گذاری ملی با رویکرد تطبیقی انجام داد. روش پژوهش به‌صورت مطالعه اسنادی و کتابخانه و مقایسه تطبیقی می‌باشد. درنهایت پس از بررسی تطبیقی، نقاط خلأ و آسیب‌های موجود در زمینه عدالت اجتماعی و نظام خط‌مشی گذاری ملی بررسی گردیده و پیشنهادهای سیاستی به‌منظور تقویت جایگاه عدالت اجتماعی در نظام سیاست گذاری و حکمرانی ملی ارائه می‌گردد.

۲-۱۱. فرضیه‌های پژوهش

کشف و شناسایی قابلیت‌های افراد با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود. قطعیت یافتن قابلیت‌ها با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود. کسب توانمندی‌ها با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود. توسعه منابع انسانی با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود. شفافیت و پاسخگویی با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود. فرصت‌های برابر با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی- پیمایشی است و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری کارکنان اداری آموزش و پرورش شهر بجنورد می‌باشد که تعداد ۱۲۰ می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۹۱ پرسشنامه توزیع شد. ابزار گردآوری اطلاعات مطالعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه می‌باشد و پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS22 استفاده می‌شود.

۴. یافته‌ها

آمار توصیفی

طبق نتایج حاصل از پژوهش، ۴۶/۰ درصد دارای جنسیت زن و ۵۴/۰ درصد دارای جنسیت مرد می‌باشند

طبق نتایج حاصل از پژوهش، ۱۹/۲ درصد دارای سن ۲۵ تا ۳۵ سال، ۶۳/۰ درصد دارای سن ۳۶ تا ۴۵ سال، ۱۷/۸ درصد دارای سن ۴۶ تا ۵۵ سال می‌باشند.

طبق نتایج حاصل از پژوهش، ۱۶/۱ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۶۵/۰ درصد دارای تحصیلات لیسانس و ۱۸/۹ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس می‌باشد.

طبق نتایج حاصل از پژوهش، ۸/۱ درصد دارای سابقه کار ۱ تا ۵ سال، ۳۷/۰ درصد دارای سابقه کار ۶ تا ۱۰ سال، ۲۹/۰ درصد دارای سابقه کار ۱۱ تا ۱۵ سال و ۲۶/۰ درصد دارای سابقه کار ۱۶ سال و بالاتر می‌باشند.

جدول ۱. میانگین متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
کشف و شناسایی قابلیت‌های افراد	۳/۲۵	۱/۲۵
قطعیت یافتن قابلیت‌ها	۳/۸۱	۱/۲۸
کسب توانمندی‌ها	۳/۸۰	۱/۰۷
توسعه منابع انسانی	۳/۰۲	۱/۲۸
شفافیت و پاسخگویی	۳/۳۱	۱/۱۸
فرصت‌های برابر	۳/۴۰	۱/۱۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

طبق نتایج حاصل از جدول، میانگین تمامی متغیرها بالای ۳ است و بالاتر از حد میانگین است.

آمار استنباطی

فرضیه‌های پژوهش

کشف و شناسایی قابلیت‌های افراد با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی‌گذاری عمومی محسوب می‌شود.

جدول ۲. آزمون t

متغیرها	t	درجه آزادی	معناداری (دو دامنه)	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد
					پایین بالا
کشف و شناسایی قابلیت‌های افراد	۳۰/۲۸۷	۱۲۲	۰/۰۰۰	۱/۰۶۴۱۰	۰/۹۹۵۰ ۱/۱۳۳۲

طبق نتایج حاصل از جدول، مقدار اماره t مثبت است (t: ۳۰/۲۸۷) و درجه معناداری کمتر از ۰/۰۱ است (sig: ۰/۰۰۰) لذا فرضیه پژوهش تایید می‌شود و کشف و شناسایی قابلیت‌های افراد با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی‌گذاری عمومی محسوب می‌شود.

قطعیت یافتن قابلیت‌ها با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود.

جدول ۳. ازمون t

متغیرها	t	درجه آزادی	معناداری (دو دامنه)	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					پایین	بالا
قطعیت یافتن قابلیت‌ها	۲۵/۱۳۷	۱۲۲	۰/۰۰۰	۰/۸۷۷۶۶	۰/۸۰۹۰	۰/۹۴۶۳

طبق نتایج حاصل از جدول، مقدار اماره t مثبت است (۲۵/۱۳۷: t) و درجه معناداری کمتر از ۰/۰۱ است (sig: ۰/۰۰۰) لذا فرضیه پژوهش تایید می‌شود و قطعیت یافتن قابلیت‌ها با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود

کسب توانمندی‌ها تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود.

جدول ۴. ازمون t

متغیرها	t	درجه آزادی	معناداری (دو دامنه)	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					پایین	بالا
کسب توانمندی‌ها	۷/۹۷۷	۱۲۲	۰/۰۰۰	۰/۳۶۹۶۸	۰/۲۷۸۶	۰/۴۶۰۸

طبق نتایج حاصل از جدول، مقدار اماره t مثبت است (۷/۹۷۷: t) و درجه معناداری کمتر از ۰/۰۱ است (sig: ۰/۰۰۰) لذا فرضیه پژوهش تایید می‌شود و کسب توانمندی‌ها تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود.

توسعه منابع انسانی با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود.

جدول ۵. ازمون t

متغیرها	T	درجه آزادی	معناداری (دو دامنه)	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					پایین	بالا
توسعه منابع انسانی	۸/۲۰۶	۱۲۲	۰/۰۰۰	۰/۳۰۴۲۶	۰/۳۷۷۲	۰/۲۳۱۴

طبق نتایج حاصل از جدول، مقدار اماره t مثبت است (۸/۲۰۶: t) و درجه معناداری کمتر از ۰/۰۱ است (sig: ۰/۰۰۰) لذا فرضیه پژوهش تایید می‌شود و توسعه منابع انسانی با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود.

شفافیت و پاسخگویی با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود.

جدول ۶. ازمون t

متغیرها	T	درجه آزادی	معناداری (دو دامنه)	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					پایین	بالا
شفافیت و پاسخگویی	۱۵/۲۸۷	۱۲۲	۰/۰۰۰	۱/۰۱۴۵۶	۰/۸۵۶۰	۰/۳۲۴۱

طبق نتایج حاصل از جدول، مقدار اماره t مثبت است (t: ۱۵/۲۸۷) و درجه معناداری کمتر از ۰/۰۱ است (sig: ۰/۰۰۰) لذا فرضیه پژوهش تایید می‌شود و شفافیت و پاسخگویی با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود.

فرصت‌های برابر با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود.

جدول ۷. ازمون t

متغیرها	T	درجه آزادی	معناداری (دو دامنه)	تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
					پایین	بالا
فرصت‌های برابر	۸/۷۵۹	۱۲۲	۰/۰۰۰	۰/۵۷۹۶۱	۰/۴۵۳۶	۱/۲۳۵۴

طبق نتایج حاصل از جدول، مقدار اماره t مثبت است (t: ۸/۷۵۹) و درجه معناداری کمتر از ۰/۰۱ است (sig: ۰/۰۰۰) لذا فرضیه پژوهش تایید می‌شود و فرصت‌های برابر با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود.

۵. بحث و نتیجه گیری

کشف و شناسایی قابلیت‌های افراد با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود. در تبیین فرضیه پژوهش می‌توان بیان داشت قابلیت‌ها شامل امکاناتی شدن است که مردم واقعاً به آنها ارزش می‌دهند و امکانات و احتمالات واقعی را که به روی یک فرد باز می‌شود تشریح می‌کنند؛ به عبارت دیگر، قابلیت‌ها همان استعدادها بالقوه‌ای هستند که بایستی کشف و زمینه‌های شکوفایی آن‌ها فراهم آید و در این بین در شناسایی قابلیت‌ها، عدالت و اینکه همگی در این بازه دخیل شوند و در راستای شکوفا کردن استعدادها، مشارکت تمامی افراد را می‌طلبد. قطعیت یافتن قابلیت‌ها با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی گذاری عمومی محسوب می‌شود. در تبیین فرضیه پژوهش می‌توان بیان داشت توجه به رویکرد قابلیت برای خط‌مشی گذاران آموزش و پرورش ایران امر اجتناب‌ناپذیر است. رویکرد قابلیت بعنوان آخری محصول نظریات توسعه انسان و راه حل برون رفت مشکلات ناشی از توسعه ناموزن و پیامدهای ناخواسته توسعه است و در هنگامی که قابلیت‌های افراد با توجه به شخصیت‌های هر فرد قطعیت یافته باشد، لازم است در ارائه این قابلیت‌ها، عدالت و مشارکت را دخیل کرد تا استعدادها با همکاری بین همدیگر به منصفه ظهور برسد. کسب

توانمندی‌ها تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی‌گذاری عمومی محسوب می‌شود. در تبیین فرضیه پژوهش می‌توان بیان داشت کسب توانمندی‌ها در سازمان آموزش و پرورش که عدالت و مشارکت در آن دخیل باشد سبب می‌شود که افراد قابلیت‌های چندگانه خورد را بشناسند و آن‌ها را قادر به زندگی ارشمند و مورد ترجیح خودشان می‌کند و از اینکه توانایی انجام فعالیت‌ها با توجه به زمینه‌های مورد علاقه خود دارند که حس خودارزشی را برای آنان فراهم می‌سازد. توسعه منابع انسانی با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی‌گذاری عمومی محسوب می‌شود. در تبیین فرضیه پژوهش می‌توان بیان داشت در توسعه منابع انسانی هدف توسعه، عامل‌های توسعه که عدالت و مشارکت در آن دخیل باشند سبب می‌شود که مهارت‌های زندگی افراد از طریق شکوفا کردن استعداد‌های و فرایند انتخاب افراد ازادانه و عادلانه باشند و همین عامل سبب توسعه منابع انسانی در بهترین حالت خود می‌شود که همون نوع استعداد در آن وجود دارد و افراد به خوداگاهی رسیده‌اند. شفافیت و پاسخگویی با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی‌گذاری عمومی محسوب می‌شود. در تبیین فرضیه پژوهش می‌توان بیان داشت فرایند‌های ارتقا، فرایند‌های انتخاب و هر تغییراتی که در سازمان انجام می‌شود که به واسطه آن، جایگاه افراد و روند فعالیت‌ها تغییر می‌کند باید شفاف باشد و هنگامی که در رابطه با تغییرات از کارکنان نظرخواهی می‌شود و مشارکت داده می‌شود و فرایند‌های تغییر تمامی کارکنان را در برمی‌گیرد، سبب می‌شود که این شفافیت نقش موثری در اعتماد افراد به سازمان دارد. فرصت‌های برابر با تأکید بر عدالت و مشارکت از ابعاد خط‌مشی‌گذاری عمومی محسوب می‌شود. در تبیین فرضیه پژوهش می‌توان بیان داشت، فرصت‌های برابر هنگامی که عدالت و مشارکت افراد در آن دخیل باشد سبب می‌شود کارکنان حس بالایی از رضایت را داشته باشند و با تمام توان خود در این حوزه قدم بردارند و از اینکه در این سازمان فعالیت می‌کنند احساس خرسندی را داشته باشند.

۶. منابع و مآخذ

۱. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، چ سیزدهم، تهران. سمت.
۲. الوانی، سید مهدی و فتاح شریف‌زاده. (۱۳۹۶). فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی. نوبت چاپ پانزدهم
۳. الوانی، سید مهدی و فتاح شریف‌زاده (۱۳۹۳). فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. الوانی، سید مهدی؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۳). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی. جلد سوم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۵. اعظم بیگی، علی (۱۳۹۳)، مدار غیرانتفاعی و نقش آن در ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی، تعلیم و تربیت، ش ۲۷ و ۲۸. آموزش و پرورش ایران و ژاپن، تهران: روزنگار.
۶. ابراهیمی قرتکان مطهر، شریعت حسین، پورکیانی مسعود (۱۳۹۶). مدل تدوین خط‌مشی‌گذاری سازمان تامین اجتماعی با رویکرد پست مدرنیسم. مطالعات علوم اجتماعی ایران. سال چهاردهم. شماره پنجاه و پنجم.
۷. برنجی، محمدرضا (۱۳۶۷)، مدار غیرانتفاعی کمکی به توسعه آموزش و پرورش «تعلیم و تربیت». ش ۱۵ و ۱۶.
۸. پور عزت، علی اصغر (۱۳۸۷)، مبانی دانش اداره دولت و حکومت (مبانی مدیریت دولتی) تهران: سمت
۹. پور عزت، علی اصغر و میر یعقوب سید رضایی. (۱۳۹۷). ارزشیابی عملکرد دولت و حکومت، تهران: انتشارات سمت، نوبت چاپ دوم

۱۰. تسلیمی، عباسعلی و سجادی، سید مهدی (۱۳۸۰)، *نقدی بر مبانی نظری خصوصی‌سازی مراکز آموزش عالی*، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش ۲۰.
۱۱. توسلی، حسین (۱۳۹۴)، *مبانی نظری عدالت اجتماعی*، تهران: بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، چ ۱.
۱۲. جعفری، پریوش (۱۳۸۹)، *مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش*، تهران: عترت نو.
۱۳. دانش فرد، کرم الله (۱۳۸۸)، *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*؛ تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تربیت.
۱۴. دانش فرد، کرم اله. (۱۳۹۵)، *فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، تهران: انتشارات صفار، چاپ دوم.
۱۵. رستمی نسب، عباسعلی (۱۳۸۴)، *مبانی تاریخی خصوصی‌سازی مدار و مراکز آموزش عالی در ایران قبل و بعد از اسلام*، نامه علوم انسانی، ش ۱۲.
۱۶. سرکار آرانی، محمدرضا (۱۳۸۲)، *اصلاحات آموزشی و مدرن‌سازی*؛ با تأکید بر مطالعه تطبیقی.
۱۷. سلطانی، محمدرضا و مصطفی سلیمان تبار. (۱۳۹۴)، *بررسی عوامل مؤثر بر توسعه منابع انسانی با رویکرد نهادی*، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، سال هفتم، شماره.
۱۸. صافی، احمد (۱۳۸۷)، *سیر تحول تربیت معلم در آموزش و پرورش معاصر ایران: گذشته، حال و آینده*، مجله تعلیم و تربیت، ش ۹۶.
۱۹. عبدالحسین زاده، محمد و مهدی ثنائی، (۱۳۹۴)، *توانمندسازی خط‌مشی‌های عمومی*، با رویکرد شفافیت و مشارکت، نخستین کنفرانس ملی مدیریت دولتی ایران، تهران، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۲۰. عبدالله‌ی، حسین (۱۳۷۹)، *بررسی و تحلیل تحولات، هدف‌ها، سیاست‌ها و مسائل و مشکلات برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش طی سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۷۸*؛ فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۶۴.
۲۱. قلی پور، رحمت اله. (۱۳۹۵)، *تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی*، تهران: انتشارات سمت. چاپ هفتم.
۲۲. قلی پور، رحمت‌الله؛ غلام پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۹)، *فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران*. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس.
۲۳. گیوریان، حسن (۱۳۸۴)، *تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی*، تهران: یکان.
۲۴. منوریان، عباس. (۱۳۹۴)، *اجرا و ارزیابی خط‌مشی عمومی*. تهران: انتشارات موسسه کتاب مهربان. نوبت چاپ اول.
۲۵. میر سپاسی، ناصر و [دیگران]. (۱۳۹۲)، *معرفی الگوی ارزشی سازمان‌های دولتی ایران*. پژوهش‌نامه مدیریت اجرایی. دوره ۵، ش ۱۰.
۲۶. نفیسی، عبدالحسین و عبدالله‌ی، حسین (۱۳۷۹)، *بازنگری تجربه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در ایران؛ فنون و شیوه‌های برنامه‌ریزی (تجربه سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۷۸)*، بخش اول، فصلنامه تعلیم و تربیت، ش ۶۴.
۲۷. واعظی، رضا، فتاح شریف‌زاده و محسن محمدی. (۱۳۹۴)، *شناسایی و اولویت‌بندی الگوهای ارزیابی خط‌مشی عمومی*، علوم مدیریت ایران، شماره ۴۰.
۲۸. واعظی، رضا؛ محمدی، محسن (۱۳۹۶)، *بررسی الگویی برای ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی در ایران (مطالعه خط‌مشی مالیات بر ارزش افزوده)*، چشم اندازه مدیریت، ش ۲۹، صص ۷۲-۴۷.

۲۹. واعظی، احمد (۱۳۸۸)، *نقد و بررسی نظریه های عدالت*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

30. Anderson, James, 1984, Public policy making: An introduction. Boston: Houghton Mifflincompany:Basic book
31. Coleman, S. and Grotze, J. (2001) Bowling Together: Online public engagement in policy deliberation, Hansard Society and BT.
32. Dror, Yehezkel, 1988,public policy Making: Re-examined, sanfrancisco: chandler:Basic book
33. Dye, T. (2013). Understanding Public Policy (14th ed.). Englewood Cliffs, NJ: PrenticeHall.
34. Greenberg, J. (1987), "A Taxonomy of Organizational Justice Theories", the Academy of Management Review. 12 (1), 9-22
35. Howlett, M. & Ramesh, M. and Perl A. (2009). Study Public Policy: Policy Cycles andPolicy Subsystems. Ontario: Oxford University Press.
36. Jenkins, W. (1978). Policy Analysis: Apolitical and Organizational Perspective. London:Martin Robertson.
37. Konow, J. (2003), "Which is the Fairest One of All? A Positive Analysis of Justice Theories", Journal of Economic Literature, 41 (4), 1118-1239.
38. Negal, Stuart. (2001) Handbook of Policy Evaluation. Sage Publications. New Delhi.198.

Investigating the Dimensions of Public Policy from an Islamic Perspective with Emphasis on Justice and Participation in a Case Study in Bojnourd Education

Roya Afrasiabi¹
Azam Maleki^{*2}

Date of Receipt: 2020/04/03 Date of Issue: 2020/04/15

Abstract

The purpose of this study is to investigate the dimensions of public policy from the Islamic perspective with emphasis on justice and case study participation in North Khorasan education. The research method is descriptive-survey and it is applied in terms of purpose. The statistical population is Bojnourd education staff of 120 which 92 questionnaires were distributed using Cochran formula and simple random sampling. The data gathering tool is library studies and questionnaires and a researcher-made questionnaire was used to analyze the information. SPSS software was used to analyze and identify the capabilities of individuals with an emphasis on justice and participation as a general policy dimension. Finding capabilities with an emphasis on justice and participation is one of the dimensions of public policy. Empowering Emphasis on justice and participation is one of the dimensions of public policy. Human resource development emphasizing justice and participation is one of the dimensions of public policy. Transparency and accountability are a public policy dimension with an emphasis on justice and participation. Equal opportunities with an emphasis on justice and participation are among the dimensions of public policy.

Keyword

Public Policy, Islamic Perspective, Justice, Participation, North Khorasan Education

1. Assistant Professor of Educational Management, Islamic Azad University, Bojnourd Branch, Bojnourd, Iran (royae1352_dr@yahoo.com)
2. PhD Student in Educational Management, Islamic Azad University of Bojnourd, Bojnourd, Iran (* Corresponding Author: azam.maleki.1394@gmail.com)